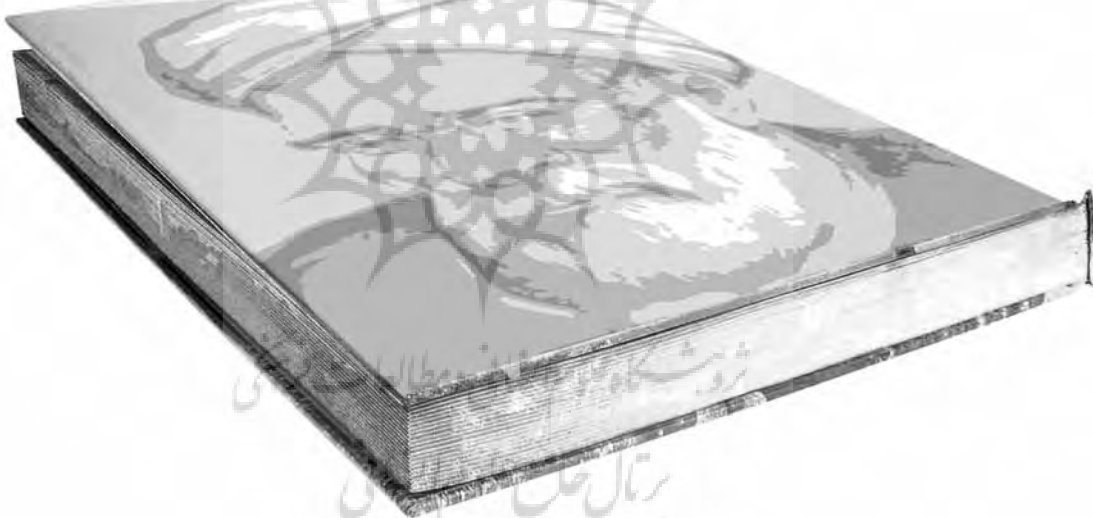


نیم‌نگاهی به برخی از منابع کتاب‌شناسی حوزه فارابی پژوهی



عبدالله صلواتی

مقدمه

شهرت علمی حکیم فارابی در قرون وسطی مرزهای اسلامی را در هم نوردید و به اروپا نیز رسید و علمای اروپایی که آثار این حکیم مسلمان را بدیع و مهم یافتند آنها را به زبان‌های علمی آن زمان، یعنی عبری و لاتینی ترجمه کردند و در مراکز علمی اروپا منتشر ساختند. بدین‌گونه فارابی در قرون وسطی شهره آفاق گردید. شهرت فارابی منحصر به گذشته نیست، بلکه در دوره معاصر نیز محققان برجسته‌ای همچون دیتریچی، هورتن و دانلپ مطالعه آثار و تحقیق در عقاید علمی و فلسفی او و نیز چاپ کتاب‌هایش را به عهده گرفتند.

گروهی از محققان نیز به تحقیق و تفحص در کتاب‌شناسی فارابی همت گماشتند. در سال ۱۸۹۳ میلادی اشتاین شنایدر فهرستی از ترجمه‌های عبری قرون وسطایی آثار فارابی را فراهم کرد. پس از وی احمد آتش فهرستی جامع از آثار فارابی را که به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های ترکیه موجود است، تنظیم کرد. و بالاخره پرفسور نیکلاس رشر استاد دانشگاه پیتسبورگ آمریکا، در سال ۱۹۶۲ میلادی کتاب دقیق و محققانه‌ای در این زمینه نگاشت و کتابشناسی آثار فارابی را به مرحله کمال رسانید (کتاب‌شناسی توصیفی فارابی، ص نوزده و بیست).

این مقاله به سه اثر درباره کتاب‌شناسی فارابی می‌پردازد؛ مؤلفات فارابی؛ الفارابی فی المراجع العربية؛ کتاب‌شناسی توصیفی فارابی.

۱. مؤلفات الفارابی، نوشته حسین علی محفوظ و جعفر آل یاسین، بغداد، مطبعة الادیب البغدادیة، ۱۳۹۵هـ ق / ۱۹۷۵ م.

این کتاب‌شناسی بر پایه آثار موجود در کتابخانه‌های مختلف انجام شده است، که در باب اول آن به فهرست نسخه‌های خطی آثار فارابی در جهان از جمله کشورهای ذیل پرداخته شده است:
ایران؛ ترکیه؛ افغانستان؛ هند و پاکستان؛ ایالات متحده آمریکا؛ دانمارک؛ سوئد؛ آلمان؛ انگلستان؛ ایتالیا؛ مصر؛ شمال آفریقا؛ نیجریه؛ بلغارستان؛ سوریه؛ لبنان؛ یوگسلاوی؛ فلسطین؛ هلند؛ اسپانیا؛ فرانسه و عراق.
همچنین در اثر مذکور در بخشی جداگانه، نام آثاری که انتساب آنها به فارابی مورد تردید قرار گرفته، ذکر شده است؛ آن آثار عبارتند از:

مبادئ الموجودات الطبيعية؛ المقالات الرفیعة فی اصول علم الطبيعة؛ شرح المجسطی؛ شرح مدخل فی علم الفلسفة؛ کتاب بغیة الآمال فی صناعة الرسل؛ رسالة فی علم المزاج (مؤلفات الفارابی، صص ۲۷۱ - ۲۸۰).
از جمله ابواب این کتاب بابی به عنوان ملاحظات و تعلیقات است، که در آن به بررسی انتقادی و توضیحی در باب آثار فارابی می‌پردازد. به عنوان مثال ذیل اثر اثبات المفارقات فارابی آمده است: اورکن و بروکلمان به اشتباه رساله اثبات المفارقات را با نام تغییر یافته المفارقات و النفوس به ابن سینا نسبت داده‌اند. همچنین بیان شده که برخی رساله فی الفراسة را از ابن سینا دانسته‌اند. و نیز ذیل کتاب السیاسة المدنیة اسامی دیگر آن را با نام رساله فی المبادئ و رساله فی قوام الاجسام و مبادئ الموجودات آورده شده است.
در این بخش از کتاب ذیل فصوص الحکم فارابی آمده که در منابع اصلی نامی از این اثر دیده نمی‌شود، و تنها کشف الظنون و الذریعة از آن یاد کرده‌اند. همچنین رساله الفردوس که منتسب به ابن سینا است عین کتاب الفصوص فارابی بوده و قسمی از کتاب فصوص (فصص ۳۰ تا ۵۰) با عنوان القوى الانسانیة و ادراکاتها، منسوب به ابن سینا دانسته شده است (مؤلفات الفارابی، صص ۲۸۹ - ۲۹۷).



۲. الفارابی فی المراجع العربية، حسین علی محفوظ، بغداد، ۱۹۷۵.

در این کتاب، به منابع و تذکروهایی که درباره احوال و آثار فارابی سخن گفته‌اند، اشاره شده و مطالب مربوطه در آنها عیناً ذکر می‌شود. گفتنی است مؤلف این اثر، منابع و تذکرها را به حسب ترتیب زمانی از قرن چهارم تا قرن چهاردهم ذکر می‌کند؛ اولین و متقدم‌ترین منبعی که در آن، از فارابی سخن گفته است مسعودی (متوفی ۳۴۵) در التنبیه و الاشراف است. همچنین الدولة الحمدانیة فی الموصل و حلب نوشته فیصل سامر، آخرین منبع در شناخت فارابی در این بخش از کتاب مذکور است. قسم دوم این کتاب، به دایرة المعارف‌هایی می‌پردازد که در باره فارابی، مطلبی را عرضه کرده‌اند. شایان ذکر است مؤلف محترم، در این اثر، دقیقاً دسته‌بندی هفت‌گانه نیکلاس رشر (صص ۴۱ - ۴۸) را در آثار فارابی، ارائه می‌کند؛ که عبارتند از:

۱. منطق (کتاب التوطئة فی المنطق)، رسالة صدر بها الكتاب، شرح کتاب المقولات لارسطوطاليس، شرح کتاب العبارة لارسطوطاليس، کتاب القیاس الصغیر، کتاب شرائط البرهان، رسالة فی جواب مسائل سئل عنها.
۲. خطابه و شعر (شرح کتاب الخطابة لارسطو، صدر کتاب الخطابة، رسالة فی قوانین صناعة الشعر) ۳. نظریه معرفت (رسالة فی العقل والمعقول، کتاب احصاء العلوم، کتاب الالفاظ و الحروف، کتاب مراتب العلوم).
۴. مابعدالطبیعه و فلسفه عام (مقاله فی اغراض مابعدالطبیعه، أو مقاله فی الأغراض من الكتاب الموسوم بالحروف، رسالة فی اثبات المفارقات، تعلیقات فی حکمه، عیون المسائل، رسالة فی ما ینبغی قبل تعلم الفلسفة، تجرید رسالة الدعای القلیبة، فلسفه ارسطوطاليس، کتاب فلسفه افلاطون و اجزائها، کتاب الجمع بین رأی حکیمین افلاطون الالهی و ارسطوطاليس، شرح رسالة ذی النون الکبیره الیونانی، کتاب فی ظهور الفلسفة، رسالة فصوص الحکم).
۵. فیزیک و علم طبیعت (رسالة فی فضیله العلوم و الصناعات/ فیما یصح و ما لا یصح من احکام النجوم، شرح کتاب الطبیعی لارسطوطاليس، رسالة فی الخلاء، مقاله فی وجوب صناعة الکیمیاء، کتاب فی اصول علم الطبیعه).
۶. موسیقی (کتاب الموسیقی الکبیر).

۷. اخلاق و فلسفه سیاسی (کتاب تحصیل السعادة، کتاب التنبیه علی سبیل السعادة، کتاب السیاسة المدنیة، کتاب فی مبادئ آراء اهل المدينة الفاضلة، کتاب فی وصایا یم نفعها جمیع من یمستعملها من طبقات الناس، تلخیص نوامیس



۳. کتاب‌شناسی توصیفی فارابی، تألیف جعفر آقایانی چاوشی، تهران، هرمس، ۱۳۸۳.

این اثر به ثبت و ضبط مجموع آثار فارابی به زبان‌های گوناگونی مانند عربی، فارسی، ترکی در کشورهای اسلامی و برای اروپاییان به زبان‌هایی که برای آنها مانوس و متداول است (نظیر آلمانی، انگلیسی، اسپانیولی، فرانسه، ایتالیایی) و آثاری به زبان‌های لهستانی و روسی می‌پردازد.

مؤلف این اثر در سال ۱۳۵۴ فهرست آثار معلم ثانی ابونصر فارابی را در کتابی با عنوان کتاب‌شناسی توصیفی فارابی به زبان فارسی و انگلیسی تهیه کرد، که از طرف شورای عالی فرهنگ و هنر به چاپ رسید. این کتاب‌شناسی مورد توجه علاقه‌مندان به فلسفه اسلامی قرار گرفت و حتی قسمتی از آن با عنوان آثار ابونصر الفارابی به زبان عربی ترجمه شد و در سال ۱۴۰۷ در مجله الثقافة الاسلامیة به چاپ رسید.

این کتاب‌شناسی در دو قسمت تنظیم شده است؛ کتاب‌ها و مقالات به زبان‌های اسلامی، یعنی عربی، فارسی و ترکی در یک بخش و کتاب‌ها و مقالات به زبان‌های اروپایی در بخش دیگر آورده شده‌اند.

هر یک از این بخش‌ها نیز با توجه به جهات و جوانب فعالیت‌های فکری فارابی به بخش‌های کوچکتری تقسیم شده‌اند. مهمترین این منابع حتی‌الامکان به دو زبان فارسی و انگلیسی توصیف گردیده‌اند.

محورهای کلی کتاب حاضر عبارتند از:

آثار فارابی در زمینه‌های منطق، طبیعیات، ریاضیات، طب، موسیقی، فلسفه عمومی و مابعدالطبیعه، فلسفه مذهبی و اخلاق و سیاست؛ کتاب‌شناسی آثار فارابی؛ بررسی‌های مربوط به شرح حال و آثار فارابی؛ مآخذ افکار فارابی؛ فلسفه فارابی و نفوذ آن در اندیشه قرون وسطایی؛ نفوذ فارابی؛ فارابی و علوم؛ فارابی و موسیقی. گفتنی است در بخش انگلیسی نیز عیناً محورهای نامبرده ذکر شده‌اند.

ملاحظات در باب کتاب‌شناسی توصیفی فارابی

مؤلف محترم در این اثر در سطح وسیعی اطلاعات مفیدی درباره آثار فارابی (نسخه‌های خطی، کتب چاپی، مقالات، پایان‌نامه‌ها و تذکره‌ها و منابعی که از فارابی، احوال و آثار او سخن گفته‌اند) ارائه می‌کند، اما کاستی‌هایی در آن به چشم می‌خورد که ذکر آن خالی از فایده نیست:

الف) عدم ذکر برخی از کتاب‌های چاپی مهم: یکی از کتاب‌های مهم فارابی اثری با عنوان فصوص الحکم است. مؤلف محترم ضمن معرفی کتاب‌های چاپی در خصوص فصوص الحکم و ذکر شروح و ترجمه‌های آن، به یکی از مهمترین شروح آن یعنی شرح سید اسماعیل حسینی شب‌غازانی به همراه حواشی میرداماد که از سوی آقای علی اوجبی در ۱۳۸۱ تصحیح شده است، اشاره‌ای نکرده است. افزون بر آن از شرح استاد علامه حسن‌زاده آملی بر فصوص الحکم با عنوان فصوص الحکم بر فصوص الحکم سخنی به میان نیامده است.

ب) معرفی ناقص و نادرست برخی آثار: در کتاب حاضر در خصوص معرفی اجمالی برخی آثار، آن چنان که در بین تذکره‌نویسان رایج است، مطلبی ارائه نشده است، که برای نمونه می‌توان به آثار چاپی همچون فصوص الحکم، تعلیقات فی الحکمة، شرح رساله ذی‌النون الکبیر، کتاب فی علم الالهی و کتاب الملة اشاره کرد.

همچنین برخی اطلاعات ضروری در خصوص پاره‌ای از آثار ارائه نشده و صرفاً به برخی اطلاعات نه چندان مهم بسنده شده است؛ به عنوان مثال در معرفی اثری به نام مقاله فی أغراض مابعد الطبیعه ارسطوطالیس فی کتاب مابعد الطبیعه آمده: «فارابی در این رساله مختصر به بررسی غرض ارسطو در کتاب مابعد الطبیعه پرداخته است. وی مقدمه علوم را به جزئی و کلی تقسیم کرده است. غرض از علم جزئی آن است که موضوع آن بعضی از موجودات و یا موهومات باشد. و علم کلی از چیزی که شامل جمیع موضوعات است مانند وجود، وحدت و انواع و لواحق آن و اشبائی که بر موجودات مخصوص عارض نمی‌شود و مبدأ جمیع موجودات است بحث می‌کند. فارابی سپس غرض ارسطو را در هر یک از مقالات دوازده‌گانه شرح می‌دهد.» (ص ۲۷)

درحالی‌که دغدغه عمده این رساله بسیار مختصر، بیان این نکته است که مابعد الطبیعه ارسطو علم توحید نیست، و همین نکته راهگشا، به ابن‌سینا، در فهم کتاب مابعد الطبیعه ارسطو کمک می‌کند؛ چنان که فارابی در اول این رساله می‌گوید: «قصدا فی هذه المقالة هو أن ندل علی الغرض الذی یشتمل علیه کتاب ارسطوطالیس المعروف بما بعد الطبیعه، و علی الاقسام الأول التي له، إذ كثير من الناس یسبق إلی وهمهم أن فحوی هذا الكتاب و مضمونه هو القول فی الباری سبحانه و العقل و النفس و سایر ما یناسبها، و أن علم ما بعد الطبیعه و علم التوحید واحد بعینه



بالعدد. فلذلك نجد أكثر الناظرين فيه يتحير و يضل، إذ يجد أكثر الكلام فيه خالياً عن هذا الغرض، بل لا يجد فيه كلاماً خاصاً بهذا الغرض إلا الذي في المقالة الحادية عشر منه التي عليها علامة اللام...» (مقاله في اغراض مابعدالطبيعه در رسائل فارابی، ص ۳).

همچنین درباره کتاب الحروف یا کتاب الالفاظ و الحروف می نویسد: «فارابی این کتاب را برای حل مشکلات الهی ارسطو تألیف کرده است.» (ص ۱۳)

کتاب الحروف وجوه اختلاف و اشتراکی با دو کتاب المقولات و کتاب متافیزیک ارسطو دارد، و به یک معنا تفسیر آن دو کتاب به ویژه کتاب مابعدالطبیعه به شمار می رود (رک: الحروف مقدمه محسن مهدی، ص ۳۴ - ۳۵) البته باید توجه داشت فارابی در کتاب الحروف افزون بر تأمل در مضمون کتاب ارسطو و اغراض آن، به برخی از مسائل مهم از جمله رابطه بین فلسفه و دین می پردازد (رک: الحروف فصل ۲۴، ص ۱۵۳ - ۱۵۷). بنابراین عبارت "مشکلات الهی" معنای محصلی ندارد؛ بنابراین که کتاب مقولاته نمی تواند قید الهی را توجیه کند، کتاب مابعدالطبیعه، که به تصریح فارابی درباره علم توحید نیست، نیز نمی تواند وجهی برای افزودن قید مذکور باشد. افزون بر آن، بخشی از تلاش فارابی در الحروف نه همه مباحث آن، تفسیر اغراض ارسطو است.

برخی از اطلاعات ارائه شده در این اثر، نادرست است به عنوان نمونه مؤلف محترم ذیل کتاب فصوص الحکم در باب دلایل عدم انتساب فصوص به فارابی می نویسد:

... مثلاً مؤلف فصوص قائل به جبر است و اختیار آدمی را به هیچ می انگارد، درحالی که فارابی طرفدار مطلق آزادی انسان است... (ص ۳۴).

درحالی که فارابی در فص ۶۰ و ۶۱ مسئله اختیار را مطرح کرده و بر این عقیده است که سلسله کائنات اعم از طبایع خارجی و صفت اختیار انسان و مطلق افعال او به مسبب الاسباب یعنی واجب الوجود منتهی می شود؛ بنابراین که امور نامبرده، حادثانند و سبب می خواهند؛ یا آنکه در فص ۶۱ آمده اگر کسی گمان کند که افعال او به اراده اوست و آنچه اختیار می کند به مشیت او است، از اختیار او بپرس که آیا آن اختیار پس از آنکه در او نبود حادث شد یا غیر حادث است؟... (فصوص الحکم در رسائل فارابی، ص ۱۷).

نمی دانم چگونه از این سخنان می توان جبر را استنباط کرد؟ آیا استناد همه چیز از جمله افعال و اختیار انسان به قضا و قدر، جبر است؟ یا اینکه استناد مذکور منافی تفویض، و حاکی از امر بین الامرین است؟ آیا می توان از کریمه «أنا کل شیء خلقناه بقدر» (قمر / ۴۹) جبر را استخراج کرد؟ آیا امام کاظم (ع) که می فرمایند: «لا یكون شیء الا ماشاء الله و اراد و قدر و قضی»، قائل به جبر است؟ آیا صدر المتألهین و حکیم سبزواری، که معتقد به اختیار و امر بین الامرین هستند و عیناً عبارات مذکور را در آثارشان نقل کرده اند، می توان بر پایه این نقل قول، آنها را معتقد به جبر دانست؟ (رک: نصوص الحکم، صص ۴۳۴ - ۴۳۷).

ج) برخی عناوین نامناسب: مؤلف محترم، آثار فارابی را در یازده عنوان، دسته بندی کرده و ارائه می کند. از جمله این عناوین، عنوان فلسفه مذهبی است که ذیل آن کتاب هایی همچون دعای عظیم، کتاب فی علم الالهی، کتاب الملة و فصوص الحکم معرفی می شوند؛ درحالی که ملاک خاصی برای این تقسیم وجود ندارد؛ چرا که عنوان فلسفه عمومی و مابعدالطبیعه برای کتابی همچون فصوص الحکم مناسب تر است. و بحث از خدا یا ذکر آیات قرآن در این اثر مهم، آن را از مابعدالطبیعه، خارج، و به کتاب کلامی مبدل نمی کند.

گفتنی است مؤلف محترم عناوین مذکور را بدون هیچ تحلیل و پردازشی از کتاب نیکلاس رشر (صص ۴۱ - ۵۳) اقتباس نموده است.

منابع:

ابونصر فارابی، کتاب الحروف تحقیق محسن مهدی، بیروت، ۱۹۸۶.
همو، فصوص الحکمة، شرح سیداسماعیل حسینی شنب غازی، به همراه حواشی میرداماد، تحقیق علی اوجبی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱.

همو، فصوص الحکم، ضمن رسائل فارابی، حیدرآباد دکن، ۱۳۴۵ هـ ق.

همو، مقاله فی اغراض مابعدالطبیعه، ضمن رسائل فارابی، حیدرآباد دکن، ۱۳۴۵ هـ ق.

حسن حسن زاده آملی، نصوص الحکم بر فصوص الحکم، قم، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۵.

Nicholas Rescher, Al - FARABI An annotated Bibliography, University of Pittsburgh press, ۱۹۶۲.

